



آینده تمام وقت

دکتر علی صادقی سررشت

ترسی ندارند که نکند کاری کنند فرزندشان ناراحت شود! در این مواقع کافی است تصور کنند اگر فرزند دوستشان منزل آن‌ها به امانت گذاشته شده بود، باز هم این رفتار را در قبال او از خود نشان می‌دادند یا می‌ترسیدند، نکند کاری کنند که لازم نباشد و بی‌جهت باعث ناراحتی او شوند!
افزون بر آنچه بیان شد، در بحث اخلاق خانواده توجه به مطالب زیر مهم است:

انتخاب و انصاف

والدین گرامی! یادمان باشد که اخلاق با دو نکته رابطه مستقیم دارد:

۱. **انتخاب‌گری:** رفتارهای اخلاقی توأم با انتخاب‌های اخلاقی هستند. این‌که نوجوان تصمیم بگیرد در مواجهه با یک موقعیت، این کار را انجام دهد یا آن کار را، به روش انتخاب او برمی‌گردد. روش انتخاب‌گری ریشه در ارزش‌هایی دارد که برای فرزند، به ویژه در سنین نوجوانی بسیار مهم هستند. بر این اساس لازم است نوجوان را با ارزش‌های پایه درباره‌ی خداشناسی، خودشناسی و معادشناسی آشنا کرد تا انتخاب‌گری‌های او دارای پایه‌های مطمئن باشد. گوش دادن به سخنرانی‌های مناسب در این زمینه، همچون مباحث کلامی استاد عظیمی (قابل دانلود از اینترنت) بسیار مفید است.

۲. **انصاف‌محوری:** نوجوان برای اخلاقی شدن باید به جایی برسد که به جای آن‌که فقط خود و خواسته‌های خود را ببیند، بتواند دیگران و نیازهای آن‌ها را نیز ببیند و برای رفع خواسته‌های آن‌ها نیز قدم بردارد. این ترجیح به اندازه و معقول دیگران بر خود، ابتدا در فضای خانواده، بعد در فضای بزرگ‌تری به نام جمع دوستان و جامعه شکل می‌گیرد. سپس به جایی می‌رسد که فرد اخلاقی در فکر نفع‌رسانی و پیشرفت بشریت است.

برای شکل‌گیری انصاف‌محوری در فرزندان به ویژه نوجوانان، مهم‌ترین اقدام لازم از سوی والدین آن است که خود در رفتارهایشان با نوجوان انصاف را رعایت کنند. برای مثال اگر قرار است تماشای تلویزیون در خانه آن‌ها در ساعات مشخص و روی نظم و قانون صورت گیرد، به‌گونه‌ای نباشد که نوجوان احساس کند در حق او ستم می‌شود؛ چراکه پدر یا مادر خود از زیر بار رعایت ساعات تماشای تلویزیون و یا قوانین مرتبط فرار می‌کنند و هر چقدر بخواهند تلویزیون تماشا می‌کنند، ولی فرزندشان را مجبور می‌کنند که به این ساعات و قوانین پایبند باشند! یا مثلاً خود والدین مدام دیر می‌خوانند، ولی برای نوجوان خود قانون می‌گذارند که هرگز اجازه دیر خوابیدن ندارد!

افزون بر مطالب بالا، لازم است که والدین در بررسی هر

از مهم‌ترین اهداف پیامبران، زنده کردن اخلاق در زندگی و روابط انسان‌ها بوده است. نظر به این مهم، والدین گرامی، لطفاً پیش از آن‌که مطلب زیر را بخوانید، به این سؤال پاسخ دهید: «هسته اخلاق چیست؟» یعنی چه چیزی در محور و مرکز اخلاق وجود دارد که اگر رعایت شود، هر زندگی و رابطه‌ای اخلاقی می‌شود و اگر وجود نداشته باشد، رابطه‌ها اخلاقی نخواهند بود.

«هسته اخلاق»، «احترام» است. اگر در جمعی احترام رعایت شود، اخلاق رعایت می‌شود و اگر احترام‌ها حفظ نشود، اخلاق رو به نابودی می‌رود. تصور کنید در یک خانواده، پدر و مادر احترام همدیگر را حفظ نکنند. در این حالت دیر یا زود اخلاق در این خانواده رو به ضعف می‌گذارد و اختلافات بعدی شکل می‌گیرد. اگر بخواهیم در همین خانواده رابطه پدر و مادر اصلاح شود، باید والدین شروع به احترام گذاشتن نسبت به همدیگر، چه در حضور فرزندان و چه در غیاب آن‌ها نمایند تا در نهایت اخلاق و شیرینی به زندگی آن‌ها بازگردد. برای تربیت اخلاقی نوجوان نیز باید حس محترم بودن را به او منتقل کرد.

هسته احترام؟

اما هسته احترام چیست؟ به بیان دیگر احترام خود از چه درست شده است؟ در پاسخ به این سؤال، بررسی‌های روان‌شناسی نشان می‌دهد احترام از دو مفهوم تشکیل شده است، «محبت» و «ترس»؛ محبت نسبت به طرف مقابل و ترس از این‌که مبدا کاری کنم که او ناراحت شود. متأسفانه روابط بین فرزندان و والدین در برخی خانواده‌ها آن‌گونه که باید و شاید محترمانه نیست. از این رو شاهد بی‌اخلاقی‌های مختلف در روابط آن‌ها هستیم. معمول این بی‌احترامی‌ها به خاطر کم‌ترسی است؛ یعنی والدین فرزند خود را دوست دارند، اما بال دیگر لازم برای شکل‌گیری احترام را ندارند؛ یعنی



این‌که نوجوان تصمیم بگیرد در مواجهه با یک موقعیت، این کار را انجام دهد یا آن کار را، به روش انتخاب او برمی‌گردد. روش انتخاب‌گری ریشه در ارزش‌هایی دارد که برای فرزند، به ویژه در سنین نوجوانی بسیار مهم هستند.



فعالیت اخلاقی از سوی فرزند خود، به سه عنصر اصلی توجه داشته باشند:

۱. عنصر شناختی: بخش مهمی در هر فعالیت اخلاقی، عنصر شناختی است. این که شناخت یک فرزند از قوانین اخلاقی چگونه است؟ این که او دربارهٔ درست یا نادرست بودن رفتارهای خود و دیگران چگونه قضاوت می‌کند؟ این که او وقتی می‌خواهد رفتار خود یا دیگران را توضیح دهد، به چه میزان از مقررات اخلاقی به صورت استدلالی استفاده می‌کند؟

۲. عنصر عاطفی: عنصر مهم دیگر در فعالیت‌های اخلاقی فرزندشان، توجه به احساس‌هایی است که در یک نوجوان بعد از انجام یک کار اخلاقی یا عدم انجام آن شکل می‌گیرد. مثلاً آیا از کمک به یک سالخورده احساس خرسندی می‌کند یا احساس شرم؟ یا از کمک نکردن به دیگری در شرایطی که کمکی از دستش برمی‌آید و نیاز به کمک هم وجود دارد، احساس تقصیر می‌کند یا خیر؟

۳. عنصر رفتاری: شاید این عنصر را دیگران بهتر بتوانند ملاحظه کنند تا خود کودک و نوجوان؛ چرا که نگاه آن‌ها از بیرون است. این که یک کودک یا نوجوان در موقعیت‌های نیازمند یک رفتار اخلاقی مناسب، چگونه عمل می‌کند، در مقابل قوانین اخلاقی به چه صورتی واکنش نشان می‌دهد (به این معنا که آیا قانون شکن است یا قانون پذیر) و مواردی از این قبیل، در واقع عنصر رفتاری اخلاق در نوجوانی را نشان می‌دهد.

اخلاق درونی و بیرونی

از سوی دیگر، لازم است والدین در پرورش اخلاقی فرزند خود، به دو بعد اخلاق درونی و بیرونی توجه داشته باشند:

۱. اخلاق بیرونی: اخلاقی که بر اساس آن کودکی که ۴ تا ۷ ساله است فکر می‌کند

هر آنچه به عنوان قواعد اخلاقی بیان شده، اموری غیر قابل تغییر و خارج از کنترل انسان است.

۲. اخلاق درونی: اخلاقی که از ده سالگی به بعد دیده می‌شود و فرد می‌فهمد که قوانین توسط مردم ایجاد شده و باید قضاوت دربارهٔ عمل اشخاص، هم نیت و هم نتیجهٔ کارشان را مورد توجه قرار دهد.

برای مثال از کودکی پنج ساله یا یک نوجوان سؤال زیر پرسیده شده است:

«کودکی بدون اجازه سر کمند رفت تا شیرینی بردارد. دستش به سینی خورد، یک استکان افتاد و شکست؛ اما کودک دیگری که می‌خواست به مادرش کمک کند، سینی چایی از دستش افتاد و شش استکان شکست، کار کدام بدتر است؟» در پاسخ به این سؤال، کودک پنج ساله پاسخ داد کودکی که شش استکان را شکسته کار بسیار بدتری کرده است. با این حال شکل قضاوت اخلاقی افراد بالاتر از ۱۰ سال متفاوت است و کار کودک اول را نادرست و زشت می‌دانند؛ چون آنان نیت رفتار را در درجهٔ اول مورد توجه قرار می‌دهند.

”

برای شکل‌گیری انصاف محوری در فرزندان به ویژه نوجوانان، مهم‌ترین اقدام لازم از سوی والدین آن است که خود در رفتارهایشان با نوجوان انصاف را رعایت کنند.

